

# تحليل آراء و آمار انتخابات رياست جمهوری در گفت و گوی «اعتماد» با جواد امام، دبیرکل مجمع ايتارگران اصلاح طلب:

## بازنده اصلي انتخابات سازوکار نظارت استصوابي شوراي نگهبان بود

دبیرکل مجمع ايتارگران اصلاح طلب در گفت و گو با «اعتماد» اظهار کرد: در انتخابات ریاست جمهوری، سازوکار نظارت استصوابی شورای نگهبان بازنده اصلی بود. این سازوکار به گونه ای طراحی شده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد.

امام افزود: در فرآیند انتخابات، شورای نگهبان به گونه ای عمل کرده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد. این سازوکار به گونه ای طراحی شده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد.

دبیرکل مجمع ايتارگران اصلاح طلب در گفت و گو با «اعتماد» اظهار کرد: در انتخابات ریاست جمهوری، سازوکار نظارت استصوابی شورای نگهبان بازنده اصلی بود. این سازوکار به گونه ای طراحی شده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد.

امام افزود: در فرآیند انتخابات، شورای نگهبان به گونه ای عمل کرده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد. این سازوکار به گونه ای طراحی شده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد.

دبیرکل مجمع ايتارگران اصلاح طلب در گفت و گو با «اعتماد» اظهار کرد: در انتخابات ریاست جمهوری، سازوکار نظارت استصوابی شورای نگهبان بازنده اصلی بود. این سازوکار به گونه ای طراحی شده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد.

امام افزود: در فرآیند انتخابات، شورای نگهبان به گونه ای عمل کرده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد. این سازوکار به گونه ای طراحی شده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد.

دبیرکل مجمع ايتارگران اصلاح طلب در گفت و گو با «اعتماد» اظهار کرد: در انتخابات ریاست جمهوری، سازوکار نظارت استصوابی شورای نگهبان بازنده اصلی بود. این سازوکار به گونه ای طراحی شده که نتواند بر اساس اصول دموکراسی عمل کند و در نهایت، منافع حاکمیت را بر منافع مردم ترجیح می دهد.

انتخابات با تمامی فراز و نشیب و حاشیه‌هایی که در پی داشت بالاخره به پایان رسید و نتایج درحالی مشخص شد که این مدت به ویژه در روزهای پایانی منتهی به روز رای‌گیری شاهد آن بودیم که حال و هوایی به نسبت متشنج بر فضای عمومی و البته فضای مجازی حاکم شده و نوعی تقابل میان طیف‌های مختلف سیاسی، چهره‌ها و البته بخش‌هایی از جامعه شکل گرفته بود. روندی که شاید

اوج آن را در روز برگزاری انتخابات شاهد بودیم و در این میان فارغ از بحث فضای مجازی که میزبان بخشی از این تنش‌ها بود، حوزه‌های رای‌گیری در کشورهای دیگر که عمدتاً در محل سفارت جمهوری اسلامی در هر یک از کشورهای جهان واقع شده به محلی برای درگیری فیزیکی تبدیل شد. تقابلی که یک سویش را ایرانیان خارج کشور که قائل به مشارکت بودند، تشکیل داده و البته عمدتاً آن طور که در ویدیوها و تصاویر مخابره شده دیدیم به نوعی قربانی این تنش و خشونت بوده و سویی مقابل که طرفداران تحریم صف‌آرایی کرده بودند و درحالی بعضاً دست به خشونت علیه هموطنان‌شان زدند که به نظر می‌رسد گرایش سیاسی این گروه از ایرانیان عمدتاً به طیف براندازان نزدیک است. غائله‌ای تلخ که در برخی پایتخت‌ها و شهرهای اروپایی حتی از این فراتر رفت و تشنج چنان اوج گرفت که مثلاً در یک فقره که به درگیری‌ها در لندن همچنین بیرمنگام اختصاص داشت، برخی منابع غیررسمی حتی از حمله به سفارت جمهوری اسلامی در این شهر خبر دادند و اگرچه این خبرها در ادامه تعدیل شد اما اخباری که حاکی از ضرب و شتم برخی ایرانیان خارج از کشور به دست برخی دیگر از ایرانیان خارج از کشور بود، واقعیت داشت. واقعیتی تلخ که حتی پای وزارت امور خارجه را نیز به این غائله باز کرد و کمتر از 24 ساعت پس از پایان مهلت رای‌گیری، آن‌طور که سخنگوی این وزارتخانه به ایرنا خبر داد، «به دنبال اخلاص در برگزاری انتخابات سیزدهمین دوره ریاست‌جمهوری اسلامی ایران در برخی شهرهای انگلستان از جمله لندن و بیرمنگام که با توهین به رای‌دهندگان و عوامل اجرایی همراه بود، سفیر بریتانیا از سوی دستیار وزیر و مدیرکل غرب اروپا به وزارت امور خارجه احضار و مراتب اعتراض شدید جمهوری اسلامی ایران به این تحركات آشوبگرانه و تروریستی به او اعلام شد. اعتراضی که به گفته سعید خطیبزاده همچنین نسبت به نحوه پوشش اخبار و تحولات ایران توسط برخی رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در لندن صورت گرفته و در نهایت آن طور که سخنگوی دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی می‌گوید، سفیر انگلستان در واکنش تاکید کرده که مراتب را به لندن گزارش خواهد کرد.

آنچه اما فارغ از ابعاد دیپلماتیک و روابط میان جمهوری اسلامی و دیگر کشورهای جهان حائز اهمیت است، نفس ایجاد نوعی دوقطبی میان ایرانیان است که اگرچه در این فقره شاهد بروز آن در جمع ایرانیان خارج از کشور بودیم اما واقعیت آن است که رویکردی مشابه درون کشور و البته به شکل و گونه‌ای دیگر در جریان است و در همین انتخابات نیز نمونه‌هایی از آن رقم خورد و از جمله در فضای مجازی

بعضا شاهد تخریبها و حملاتی عجیب بودیم. با این همه اما در بحث از ایرانیان خارج کشور وقتی به عمق فاجعه پی خواهیم برد که به یاد بیاوریم اصولا مهاجران ایرانی همواره به دلیل دوری از وطن با مشکلاتی روبه‌رو هستند و در چنین شرایطی اگر هموطنی صرفا به دلیل تفاوت دیدگاه سیاسی خود حاضر به چنین اقداماتی شود بسیار نگران‌کننده و البته غم‌انگیز است. در ادامه پس از این مقدمه به نسبت مفصل به منظور بررسی این مساله همچنین برخی دیگر از مسائل و موضوعات اینچنینی مربوط به انتخابات اخیر سراغ جواد امام، دبیرکل مجمع ایثارگران اصلاح‌طلب رفته و نظرات او را درباره این موارد همچنین آینده جریان اصلاحات در قبال جامعه‌ای که با چنین مصائبی دست به گریبان است، جویا شدیم.

**آقای امام! در جریان انتخابات شاهد درگیری‌هایی عجیب میان گروه‌های مختلف مردم به دلیل تفاوت دیدگاه سیاسی به خصوص نسبت به مشارکت یا عدم مشارکت و تحریم انتخابات بودیم؛ نظر شما درباره این فضا و دو قطبی شکل گرفته چیست؟ آسیب و زیان این وضعیت را چطور تحلیل می‌کنید و به نظر شما عواقب آن برای ملت و مملکت چه خواهد بود؟**

باید بگویم که آنچه به عنوان برخورد فیزیکی علیه رای‌دهندگان ساکن برخی کشورهای خارجی از سوی بعضی ایرانیان ساکن این کشورها شاهد بودیم همچنین رفتار گروه دیگری که اگرچه خوشبختانه اقدام به برخورد و خشونت فیزیکی با مخالفان سیاسی خود نکرده اما عمدتا در فضای مجازی انگشت اتهام خود را به سوی آنان می‌گیرند و به کسانی که در انتخابات مشارکت کرده و رای دادند، اتهام زدند و در مواردی آنان را تخریب کردند، رفتاری بسیار قبیح و ناپسند است. به واقع اینکه همدیگر را به خاطر کنش سیاسی‌مان، آن هم کنشی کاملا قانونی و عمومی همچون رای دادن و مشارکت انتخاباتی سرزنش کنیم به هیچ عنوان صحیح نبوده و نباید اجازه دهیم چنین رفتاری شکل بگیرد. البته معتقدم این شرایط را دیگرانی به وجود آوردند که مردم را برای شرکت در انتخابات مردد کردند. این شرایط را کسانی به وجود

آوردند که باعث دلزدگی مردم شده و با تصمیمات ناصواب خود زمینه‌سازی ناامیدی مردم شدند و شرایطی که به وجود آمده، شرایطی نیست که مورد رضایتمندی مردم باشد. همه باید این را در نظر داشته باشیم که این تنها ما نیستیم که دغدغه داریم و هر کس به نحوی نگران سرنوشت خود و کشورش است و بنابر تشخیص خود نیز عمل می‌کند. امروز در هر وضعی قرار داریم، راه برون‌رفت این است که تلاش کنیم و به فکر چاره و راه‌حل باشیم. باید ببینیم که برای آینده کشورمان و برای فردای جامعه ایرانی چه راهکار مناسبی داریم و کدام اقدام و کدام کنش و روش ما می‌تواند جلوی افزایش هزینه را بگیرد.

فراموش نکنیم که رای دادن يك حق است؛ این حق يكایك شهروندان است که برای خود تصمیم بگیرند که بنابر نگرش سیاسی خود در انتخابات شرکت کنند یا چنین نکنند. این يك تصمیم فردی است که مشخصاً حق افراد محسوب می‌شود و نمی‌توان به خاطر آنکه کسی قائل به مشارکت است یا تحریم و عدم مشارکت، او را سرزنش کنیم. ضمن اینکه به نظرم اکنون به هیچ عنوان وقت این نیست که با دست خود هزینه‌ای دیگر را نیز بر خود تحمیل کنیم؛ امروز همه با مشکلاتی اساسی دست و پنجه نرم می‌کنیم و نباید نه برای کسانی که در انتخابات شرکت کرده و رای دادند و نه برای کسانی که به هر دلیل در انتخابات شرکت نکرده و رای ندادند، هزینه مضاعفی ایجاد کنیم. به نظرم امروز باید کنار هم بایستیم و فکر و چاره‌ای برای آینده مملکت‌مان بیندیشیم و دنبال راه‌حل باشیم. باید به همدیگر کمک کنیم و کنار هم راهی پیدا کنیم تا شرایطی را که علت به وجود آمدن و بروز چنین فضایی است، شناسایی کنیم و آنچه را که منجر به دل‌سردی‌مان شده از میان برداریم.

چگونه؟ به نظر شما چطور و با چه روشی می‌توان به این فضای دوقطبی پایان داد؟ آن هم درحالی که برخی ناظران معتقدند که هیچ بعید نیست دوقطبی شدیدی که آثار و عواقبش را دیده و می‌بینیم در ادامه مسیر تشدید و تقویت شده و در نتیجه تبعات منفی بیشتری بر جامعه ایرانی وارد کند.

راهی جز گفت‌وگو نیست. به نظرم بر این فضای دوقطبی نیز تنها با گفت‌وگو می‌توان فائق آمد. امروز باید بر کنشگری و سیاست‌ورزی جامعه‌محور تمرکز کنیم. باید به مردم و جامعه بازگردیم؛ هم مسوولان و مقامات کشور و هم فعالان سیاسی و احزاب. همه باید به مردم مراجعه کنیم و به خواست و مطالبات‌شان توجه کنیم. این شرایط که بر کشور و فضای جامعه ایرانی حاکم شده و اتفاقات و حوادثی که از سر

گذرانیدیم عمدتاً ناشی از فاصله گرفتن از مردم است. اگر از مردم فاصله نگرفته بودیم امروز همگی شرایطی بهتر داشتیم. اگر این فاصله نبود، اوضاع متفاوتی را تجربه می‌کردیم و بهتر می‌توانستیم یکدیگر را قانع کنیم. همین‌طور که حضورمان در صحنه نیز متفاوت بود و قطعاً بهتر می‌توانستیم در صحنه حاضر شویم. اما فاصله گرفتن از جامعه باعث شد حتی جریان‌های سیاسی هم هزینه بیشتری بپردازند و به کنشگران سیاسی نیز خسارت‌هایی جدی وارد شد. البته باید در نظر داشت که بیش از جریان‌های سیاسی این حکومت و نظام است که هزینه داد.

در انتخاباتی که گذشت شاهد مشارکتی حداقلی بودیم و جالب آنکه این میزان به نسبت کم مشارکت به زعم برخی ناظران نسبت به آنچه انتظارش را داشتند چندان هم کم نبوده؛ در واقع انتظار مشارکتی نازل‌تر نیز وجود داشته حال آنکه پس از اسفند ماه 98 و ثبت کمترین میزان مشارکت انتخابات مجلس یازدهم نسبت به تمامی ادوار گذشته 28 خرداد ماه 1400 نیز کمترین میزان مشارکت انتخابات ریاست‌جمهوری رقم خورد. تحلیل‌تان از وضعیت مشارکت در این انتخابات چه بود؟

روی کاغذ باید بگوییم که حداقل 50 درصد مردم در انتخابات روز جمعه شرکت نکردند که البته این مساله باید به‌طور نسبی و در قیاس با ادوار گذشته بررسی شود. اما اتفاق مهم دیگر آرای باطله بود و اینکه بخش قابل توجهی از واجدان شرایط، رای باطله در صندوق انداختند؛ چنانکه می‌توان گفت بیش از 5/6 درصد آرای باطله بوده است. اگر نگاه کنیم به آمار نهایی اعلام شده، می‌بینیم که تعداد آرای باطله بیش از 3 میلیون و 700 هزار رای بوده که عدد بسیار مهمی است. در واقع نفر دوم در صحنه انتخابات، آرای باطله بوده که چیزی اندکی کمتر از 13 درصد آرا را تشکیل می‌دهد. این عدد به نظر من رای و عدد معناداری است و مسوولان باید نسبت به این اتفاق چاره‌ای بیندیشند و فکری کرده و در رفتار خود تجدیدنظر کنند. به هر حال این تعداد هم بخشی از آرای شهروندان ایرانی است که اگر بخواهیم به آنان بی‌توجهی کنیم حتماً مجدداً خسارت‌هایی جدی به کشور وارد می‌شود.

**برخی معتقدند جریان اصلاحات که پیشاپیش اعلام کرده بود، کاندیدایی در این انتخابات نداشت**

به دلیل نوع رفتاری که نشان داد، متحمل شکست شده و اساساً این اصلاحات بود که شکست خورد؛ چراکه آرای ریسی نسبت به دوره پیش تغییر چندانی نداشته اما اصلاح طلبان به رغم تلاشی که به طور غیرتشکیلاتی اما به نسبت جدی برای جلب مشارکت مردم کردند و در نهایت رای چندانی به سید کاوندی منتسب به اصلاح طلبان نرفت، ناکام بودند؛ نظرتان در این باره چیست؟

اصلاحات شکست نمی خورد! هر جامعه پویایی نیاز به اصلاح دارد و اساساً هیچ جامعه ای نمی تواند بدون اصلاحات قدم در مسیر پیشرفت گذاشته و به سوی فردا و آینده گام بردارد. به نظرم اتفاقی که افتاد صرفاً این بود که اصلاح طلبان به رغم رد صلاحیت کاوندی ها، شان همچنان سعی کردند از جمهوریت نظام دفاع کنند. اگر شرایط به گونه ای شده بود که اصلاح طلبان هم کاوندی داشتند و می توانستند با کسی وارد این رقابت شوند که نماینده واقعی جبهه اصلاحات بود و توانایی این را داشت که پرچم و بیرق اصلاحات و اصلاح طلبی را در دست گرفته و به اهتزاز درآورد، آنگاه امکان قضاوت وجود داشت و میشد در این باره صحبت کرد که این جریان شکست خورده یا نه!

**به نظر شما ناکام واقعی چه بود و شکست اصلی انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم کجا و چگونه رقم خورد؟**

آنچه شکست خورد به نظرم سازوکاری است که در برگزاری و نظارت بر این انتخابات به کار گرفته شد. نیامدن شهروندان و شرکت نکردن آنان در انتخابات خسارت بود و این خسارت می تواند متوجه اصلاح طلبان هم باشد. اگر سازوکار فعلی تغییر می کرد، نظارت استصوابی شورای نگهبان مورد بازبینی قرار می گرفت و این شرایط غیررقابتی و عدم رقابت بر انتخابات حاکم نبود و برقرار نمیشد، روز برگزاری انتخابات حتما شاهد حضور و مشارکتی چشمگیر از جانب مردم بودیم و این خسارت جدی و سنگین وارد نمیشد. در مجموع به نظرم نتیجه انتخابات روز جمعه چندان کسی را ذوق زده نکرد و از طرف دیگر این

نتیجه چندان غیرقابل پیش‌بینی و غیرمترقبه هم نبود. نتیجه‌ای که رقم خورد به واقع پیشاپیش قابل پیش‌بینی بود و حتی می‌توان گفت که به نوعی برای همگان مشخص بود. ولی به هر حال باید در نظر داشت که مردم برای حفظ جمهوریت در انتخابات حاضر شدند و همچنان امید داشتند؛ وگرنه نتیجه با توجه به اینکه رقیب جدی در صحنه نبود، مشخص بود. نمی‌توانیم بگوییم که در این انتخابات احیانا رقابتی معنادار و جدی وجود داشت و به همین دلیل هم وقتی نتایج اعلام شد شاهد آن نبودیم که فرد یا جریانی خیلی خوشحال شود و همچنین ندیدیم که فرد یا جریانی خیلی شگفت‌زده شده و مبهوت شود. به هر حال باید امیدوار باشیم که مقام‌ها و مسوولان کشور از آنچه در این انتخابات گذشت و شرایطی که رقم خورد، درس بگیرند و متوجه خسارت‌های وارد شده به این ملت و مملکت باشند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

